



محکومان به رغم طی مراحل دادرسی و حکم قطعی در حال حاضر نیز همچنان تحت شکنجه به صورت انفرادی یا همراه محکومان دچار بیماری روحی و روانی نگهداری می‌شوند.

امضاکندگان این شکوائیه همچنین نوشته‌اند که ما بدون استثنا با رفتار غیراخلاقی و غیراسلامی بازجویان مواجه بوده‌ایم. شکنجه‌های روحی و فیزیکی فحاشی‌های شرم‌آور نسبت به متهم و خانواده و عزیزان او و طرح اکاذیبی چون روابط غیراخلاقی در غالب بازجویی‌ها به کرات انجام شده است. رفتاری که باعث فشار روحی زیاد به متهمان نیز بوده است. آنها نوشته‌اند که نه فقط دستگیری‌ها و بازجویی‌های‌شان همراه با توهین و تحقیر بوده است بلکه بازجویان از فحاشی و توهین به آنها و خانواده و عزیزان و افراد مورد احترام‌شان از جمله رهبران جنبش اعتراضی، میرحسین موسوی و مهدی کروبی، و استفاده از رکیک‌ترین و زنده‌ترین عبارات به عنوان شگرد عادی برای تحقیر و تضعیف روحیه و تخریب مشاعر متهم استفاده می‌کردند. در برخی موارد با برخی متهمان با حضور قاضی نماینده دادستان و ماموران امنیتی و اطلاعات روز قبل از دادگاه رسمی (دادگاه نمایشی) دادگاه تمرینی برگزار شده و قاضی و نماینده دادستان اظهاراتی که متهم قرار بوده بر اساس نوشته تهیه شده توسط بازجویان برای تکمیل سناریوی مورد نظر روز بعد در دادگاه رسمی در مقابل دوربین‌های تلویزیون بیان کند استماع و اصلاح کرده‌اند که این موضوع خود گواه تلخی بر ابعاد تخلفات انجام گرفته است.

این زندانیان سیاسی در بخش دیگری از نامه آورده‌اند که «قانون بر عدم استفاده از چشم‌بند و دست‌بند و پابند در جریان دستگیری و بازجویی و عدم تحقیر و استخفاف در هنگام دستگیری و بازجویی تأکید دارد. این بند قانون درباره تمام متهمان حوادث پس از انتخابات با شدت متفاوت نقض شده است. همه ما غالباً پس از بازداشت با چشم‌بند و گاه دست‌بند به زندان منتقل شده‌ایم. بستن چشم متهمان رویه قطعی تمامی بازداشتگاه‌های تحت نظارت وزارت اطلاعات (۲۰۹) و سپاه پاسداران (دوالف) است و تمام آنان با چشم‌بند در زندان جابه‌جا شده‌اند و غالباً با چشم‌بند اجازه استفاده از هواخوری داشته‌اند. برخی از ما و بسیاری دیگر از زندانیان حوادث پس از انتخابات ماه‌ها از دیدن هر محیطی جز سلول انفرادی خود محروم بوده‌ایم. ما و اغلب زندانیان فقط با چشم‌بند در مقابل بازجو قرار گرفته‌ایم. عده زیادی از ما حتی در طول بازجویی مجبور به استفاده از چشم‌بند بوده‌ایم و فقط اجازه داشتیم در حد دیدن برگه بازجویی چشم‌بند خود را جابه‌جا کنیم.»

ظاهراً برای چشم‌بند کاربردهایی مختلفی همچون مخفی نگه داشتن هویت بازجویان و ماموران و تحقیر و عصبی کردن متهمان پیش‌بینی شده است. شگفت‌انگیز آنکه این رویه غیرقانونی حتی در محیط دادرسی هم معمول بوده و هست.

نویسندگان این نامه گفته‌اند که آنچه در این نامه آمده عمق عملکرد فاجعه‌آمیز نسبت به متهمان و محکومان حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ را مشخص نمی‌کند.

شکایت ۲۶ زندانی سیاسی از وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران:

شکنجه شده‌ایم

۲۶ زندانی سیاسی حوادث پس از انتخابات با نوشتن شکایت‌نامه‌ای خطاب به ریاست «هیأت نظارت مرکزی بر حسن اجرای قانون احترام به آزادی‌های مشروط و حفظ حقوق شهروندی»، از برخورد‌های غیرقانونی وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران با آنها در مراحل مختلف بازداشت، بازجویی، محاکمه و حبس شکایت کرده‌اند و خواستار رسیدگی به این شکایت شده‌اند. این زندانیان هم اکنون در بند ۳۵۰ اوین، دوالف اوین، زندان رجایی‌شهر و زندان‌های خوزستان به سر می‌برند.

امضاکندگان این نامه از فعالان سیاسی، روزنامه‌نگاران، فعالان دانشجویی و فعالان حقوق بشر هستند که اسامی آنها عبارت است از: محسن امین‌زاده، محسن میردامادی، بهمن احمدی‌امویی، عبدالله مومنی، میلاد اسدی، عبدالله رمضان‌زاده، عماد بهاور، مصطفی تاج‌زاده، مجتبی تهرانی، علی جمالی، محمدحسین خوربک، محمد داوری، امیرخسرو دلیرثانی، کیوان صمیمی، اسماعیل صحابه، محمد فرید طاهری فروزینی، فیض‌الله عرب‌سرخی، بهزاد نبوی، ابوالفضل قذیانی، مجید دری، ضیا نبوی، مهدی کریمیان اقبال، محمدرضا مقیسه، علی ملیحی، محمدجواد مظفر، حسن اسدی زیدآبادی.

این زندانیان سیاسی در نامه خود نوشته‌اند که همگی شکنجه شده‌اند و افزوده‌اند که غالب بازداشت‌ها با اعمال خشنوت، توهین و تحقیر همراه بوده به طوری که برخی از متهمان هنگام دستگیری به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند.

این زندانیان همچنین نوشته‌اند: «ما امضاکندگان این شکوائیه تحت شکنجه قرار گرفته‌ایم. یکی از متداول‌ترین شکنجه‌ها نگهداری ما در سلول‌های انفرادی بسیار کوچک بوده است. روشی که به اذعان همه مسوولان عالی کشور شکنجه تلقی می‌شود و بازجویان و زندان‌بان‌ها نیز تأیید می‌کنند که متهم پس از چند هفته نگهداری در سلول انفرادی دچار اختلالات جسمی و روحی شدید می‌شود.

نگهداری متهمان در سلول انفرادی فاقد توالف و جلوگیری از دسترسی متناوب آنها به توالف و حمام به ویژه برای متهمان بیمار شیوه تشدید این شکنجه‌ها بوده است. بازجویی‌های بسیار طولانی در نیمه‌شب و تکراری مدت برای چند ماه، ضرب و شتم شدید منجر به صدمه‌های شدید جسمی، تهدیدات مکرر متهم حتی تهدید به تعرض جنسی و تهدید به دستگیری اعضای خانواده او و گاه دستگیری آنان برای تحت فشار قرار دادن متهم، دادن اخبار دروغ به متهم درباره وضعیت خانواده‌اش، جلوگیری از خواب متهم، عدم توجه به بیماری و درد متهم برخی از شکل‌های متداول شکنجه زندانیان حوادث بعد از انتخابات است که به صورت‌های گوناگون درباره امضاکندگان این شکوائیه انجام شده است.

شکنجه‌های شدیدتر، از جمله فرو کردن سر متهم در توالف، خوراندن کاغذ بازجویی به متهم و مواردی امثال آن اعمال شده، که برخی از شاکیان و زندانیان در گزارش‌های جداگانه جزئیات آن را منتشر کرده‌اند.»

این زندانیان یادآور شده‌اند که «بازجویان معمولاً این فشارها را نه برای کشف واقعیت بلکه برای وادار کردن متهمان به اعتراف مطالب واهی و خلاف واقع مورد نظر بازجویان به کار گرفته‌اند. این رفتارهای خلاف قانون منحصر به دوره بازداشت نبوده و برخی

مگر نمی‌خواهید که ما ناشیم و شما باشید؟ راهش توجه به این واقعیت است: مردم با زید و عمرو عهد اخوت ندارند و آن کسی را بیشتر می‌پسندند که حق بزرگی آنان را کامل‌تر ادا کند. این مسئله‌ای است که توجه به آن نه فقط گره انتخابات، که هزار گره دیگر را نیز می‌گشاید. و اگر بنا باشد حل نشود آرزو کنید که دامنه‌های مشکل در یک انتخابات، محدود بماند.

میرحسین موسوی، بیانیه ۱۶

میرحسین موسوی نماد وجدان بیدار ایرانیان به راستی چه کسی بی‌بصیرت بود، میرحسین یا ...؟

درباره تخریب اقتصاد ایران هم کیست که امروز پاسخ دهد آن همه جار و جنجال‌هایی که تحت عنوان سهام عدالت مطرح می‌شد چرا جای خود را به یک سکوت مرگبار داده است؟ چرا دیگر کسی سبب‌زمینی مجانی توزیع نمی‌کند؟ چرا حقوق بازنشستگان دیگر هیچ ارتباطی با نرخ تورم ندارد؟ چرا در لایحه بودجه برای حقوق‌بگیران دولت نرخ رشد منفی در نظر گرفته می‌شود؟ چه کسی باید سوال کند که پدیده سهام عدالت چه بر سر شرکت‌های دولتی آورده است؟ چه کسی پاسخگوی افزایش نزدیک به پنج میلیون نفر به تعداد فقرای در وضعیت اضطراری کشور طی سه ساله گذشته باید باشد؟ چرا باید در دوران نفت با قیمت بالای ۱۰۰ دلار نزدیک به پانزده میلیون نفر در کشور زیر خطر فقر قرار داشته باشند؟ چرا باید فساد مالی گسترده بلایی بر سر کشور آورده باشد که میزان سرمایه‌گذاری دولت در زمینه‌های تولیدی به پایین‌ترین سطوح خود طی ۳۰ سال گذشته برسد؟ چرا احمدی‌نژاد که ملتسمانه از اصولگریان می‌خواهد دروغ کمتری به دولتش ببندند خود را انگریز می‌بیند که ادعای ایجاد دو نیم میلیون شغل کنند؟ چرا دیگر الان جشن ملی هسته‌ای نداریم و نوعی خفقان بر همه طرفداران دولت و دستگاه تبلیغاتی کشور در این زمینه سایه انداخته است؟ برآیند آن همه گراف‌گویی‌ها درباره پیشرفت علمی کشور چرا باید قهقرای اقتصاد و دست و پا زدن در تورم فقر و بیکاری باشد و حتی مدافعان افراطی دولت هم با گردن کج بگویند ما در حوزه اقتصاد حرفی برای گفتن نداریم؟

در این دوره شش ساله دولت بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی داشته و حاصل آن افزایش فقر، فساد، تبعیض، تورم و بیکاری بوده است. آیا مبارزه با فساد و فقر و تبعیض فقط در دوره خاتمی باید نقش چماق را بازی می‌کرد و در دوران اصول‌گرایی و اوایل فقر و فساد و تبعیض اشکال شرعی خود را از دست داده است؟

مهندس موسوی معتقد بود که معرکه‌گردان فرهنگ ایرانیان باید علم، عقل، ادب و اخلاق باشد نه مداح و رمال و جن‌گیر. شوری‌اش تا کجا باید رسیده باشد که سخنگوی قوه قضائیه با افتخار اعلام دستگیری رمال‌ها و جن‌گیرهای اطراف دولت را بطور رسمی اعلام کند؟

آیا میرحسین موسوی بی‌بصیرت بود که سه سال پیش گفت: آمده‌ام تا عقلانیت را جایگزین دروغ و رمالی و کف‌بینی کنم یا آنهایی که در نماز جمعه ۲۹ خرداد افکار احمدی‌نژاد را به خود نزدیکتر دانستند و به منتقدان دولت رمال‌ها، می‌های‌تاخندند؟ میرحسین موسوی بی‌بصیرت بود یا آنهایی که امروز از تریبون‌های رسمی افتخار خود را دستگیری جن‌گیرها رمال‌ها و ... می‌دانند؟ وقتی امروز اسدالله بادامچیان از نااطمینانی اصول‌گرایان از تقلب در انتخابات آتی سخن به میان می‌آورد آیا ذره‌ای شرافت و صداقت در میان بازجویان و قاضیان و پرونده‌سازانی که فرزندان صادق این ملت را با آن‌همه شواهد و قرائنی که وجود داشت به جرم بر ملا کردن این تقلب خفت‌بار، آماج شکنجه، حبس، تجاوز و قتل قرار دادند، جوابی به پیشگاه ملت ایران می‌تواند ارائه کنند؟

آری مرور همه آنچه که به عنوان مثنی از خروار مطرح شد نشان می‌دهد که به راستی میرحسین موسوی به درستی احساس خطر کرده بود و ریشه‌های اصلی فساد و تبعیض و تخریب را به درستی تشخیص داده بود و این چنین بود که تا اعماق روح و جان ملت نفوذ کرد.

کلمه - گروه سیاسی: مهندس میرحسین موسوی شخصیتی است که در سخت‌ترین شرایط با تلاش بی‌وقفه یکی از زیباترین خاطره‌های تاریخی را برای ملت ایران به یادگار گذاشت. با وجود آنکه در کل دوره پس از کنار رفتن او بسیار افرادی بودند که انگیزه متفاوتی نیز در جهت تخریب او مطرح کنند حتی یک نکته تاریک هم در زندگی شخصی، سیاسی و اقتصادی او پیدا نکردند.

میرحسین موسوی در عمل نشان داده است که مطیع اوامر اشخاص نیست. بنابراین ظلم به چنین افرادی قطعاً یادآور ظلم‌هایی که به سلاله ایشان در طول تاریخ روا شده گرچه هنوز باید زمان بگذرد تا واقعیت‌های بیشتری آشکار شود.

ما حوادث چند ماه اخیر جلوه‌هایی را ظاهر کرده است که فعالیت جنبش سبز و موضع‌گیری‌های صادقانه مهندس موسوی را به خوبی نشان می‌دهد. اولین مسئله‌ای که موسوی به عنوان انگیزه برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری مطرح کرد احساس خطر برای کشور بود. اکنون که ایران سالانه میلیاردها دلار به جیب آل صباح، آل خلیفه، آل سعود و آل نضیان می‌ریزد و اخیراً ترکیه نیز به این لیست اضافه شده آیا این جز بهایی است که ایران باید بابت سیاست خارجی بپردازد؟ همان‌هایی که بخش بزرگی از درآمدهای خودشان را از طریق باج‌خوری و دلالتی بابت شرایط تحریم اقتصاد ایران دریافت می‌کنند و...

دومین مسئله از محور اصلی انگیزه مهندس موسوی، در صحنه داخلی و مبارزه با دروغ و پرونده‌سازی برای ملت ایران و جلوگیری از تخریب اقتصاد ایران عنوان شده بود.

کار دروغ‌پردازی در این دولت به جایی رسیده است که از رئیس مجلس تا رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس تا رئیس دیوان محاسبات کشور و سخنگوی قوه قضائیه و ائمه جمعه تا روزنامه‌ها و رسانه‌های طرفدار این دولت را به فریاد و فغان کشانده. جالب‌ترین قسمت این ماجرا تمای خود احمدی‌نژاد از جناح اصول‌گرا در اولین نطق پس از حضور در هیأت وزیران بود که عاجزانه از هم‌پیمانان اصول‌گرای خود تقاضا می‌کرد این همه دروغ به دولت و شخص او نسبت ندهند. وقتی ماجرای جن‌گیری و رمالی به قوه قضائیه کشیده شد و سایت‌های طرفدار دولت یکی پس از دیگری فیلتر و گاه‌ها محو شدند و اطرافیان احمدی‌نژاد در لیست دستگیری قرار گرفتند کم‌کم ترسی در میان همه کسانی که در سه سال گذشته با ظلم و جنایت و سرکوب، برای مظلوم‌ترین و شریف‌ترین و



فداکارترین فرزندان این آب و خاک پرونده‌سازی کرده بودند، روشن شد که خود کرده را تدبیر نیست و بدین ترتیب پیامی برای بقیه کسانی که در این ظلم و جنایت‌ها شریک بودند و هنوز نوبت آنها فرا نرسیده است...

امروز حتی ناآگاه‌ترین و بی‌سوادترین حامیان این رویه‌ها نیز به خوبی می‌فهمند که پرونده‌سازی برای دیگران چه عواقبی دارد...